

توسعه اجتماعی پایدار در نظام معنایی دبیران علوم اجتماعی شهر شیراز: به سوی یک نظریه زمینه‌ای

عادل مرادی^۱، دکتر ماهرخ رجیبی^۲، دکتر بیژن خواجه‌نوری^۳، دکتر اسفندیار غفاری‌نسب^۴

تاریخ وصول: ۱۴۰۲/۵/۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۵

چکیده:

یکی از شاخص‌های توسعه که در حال حاضر از اهمیت بسیار زیادی برخوردار می‌باشد، شاخص توسعه اجتماعی پایدار می‌باشد. پژوهش حاضر در همین راستا و با هدف واکاوی نظام معنایی دبیران علوم اجتماعی شهر شیراز از این شاخص انجام شده است. در این تحقیق از نظریه زمینه‌ای استفاده شده است. داده‌ها به کمک مصاحبه به‌دست آمد و مصاحبه‌ها تا رسیدن به اشباع نظری در خصوص مقوله‌های مختلف مورد مصاحبه، ادامه پیدا کردند. مشارکت‌کنندگان در این پژوهش ۱۵ نفر از دبیران علوم اجتماعی در شهر شیراز بودند که به‌صورت هدفمند انتخاب شدند. مصاحبه‌ها با استفاده از کدگذاری باز، محوری و انتخابی انجام شد. نتیجه کدگذاری داده‌ها، دست‌یابی به پانزده مقوله محوری و یک مقوله هسته بوده است. همچنین نتایج پژوهش نشان داد که نیروها و شرایطی همچون آگاه‌سازی و بسترسازی رسانه‌ای، طراحی سامانه هوشمند و نهادینه‌سازی آن در جامعه، ضرورت وافر تعامل و تجارت جهانی در دهکده جهانی و تعامل با مراکز بین‌المللی آموزشی و فرهنگی از جمله شرایط علی در فرآیند نیل به توسعه اجتماعی پایدار می‌باشند. مشارکت‌کنندگان به شرایطی همچون تغییر الگوی مصرف و تطبیق با شکوفایی فردی و جمعی، تغییر الگوی مصرف منابع، نهادینه شدن مصرف مطلوب منابع و کاهش بحران‌های زیست‌محیطی و بسترسازی آموزشی مطلوب در جامعه به‌عنوان شرایط مداخله‌گر اشاره کرده‌اند. از نظر مشارکت‌کنندگان شرایط زمینه‌ای، شرایطی همچون توزیع عادلانه امکانات و منابع بین مناطق، توجه به ارزش‌های فرهنگ محلی به‌منابه یک الزام مهم توسعه اجتماعی پایدار می‌باشند. مشارکت‌کنندگان به پیامدهایی همانند ارتقای سطح و کیفیت زندگی فرد و توجه به حقوق و ارزش‌های انسانی، استفاده از قدرت دولت در تخصیص منابع، بسیج اجتماعی، مشارکت در فرآیند توسعه، برقراری نظم اجتماعی، استفاده و بهره‌مندی از توانمندی‌ها و پتانسیل‌های محلی برای توسعه، تحولات ساختارهای در راستای افزایش رفاه مردم به‌عنوان پیامدهای اصلی توسعه اجتماعی پایدار اشاره کرده‌اند.

مفاهیم کلیدی: توسعه اجتماعی پایدار، دبیران علوم اجتماعی، شیراز، نظام معنایی، نظریه زمینه‌ای

^۱ دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز، شیراز، ایران adelmoradi307@gmail.com

^۲ استادیار بخش جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز، شیراز، ایران (نویسنده مسئول) mrjajabi@rose.shirazu.ac.ir

^۳ دانشیار بخش جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز، شیراز، ایران bkhaje@rose.shirazu.ac.ir

^۴ استادیار بخش جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز، شیراز، ایران ghafari.na@gmail.com

مقدمه و بیان مسأله

با مطرح شدن مفهوم توسعه اجتماعی^۱ در گفتمان توسعه، کارگزاران رسمی توسعه، مکاتب و صاحب‌نظران با رویکردهای مختلف، در سطح بین‌المللی، مؤلفه‌ها و شاخص‌هایی را در جهت شناخت از وضعیت اولیه توسعه اجتماعی، ترسیم اهداف و تدوین استراتژی‌های متناسب با شرایط و بستر جامعه ارائه داده‌اند. صرف‌نظر از محتوای مورد تأکید در هر رویکرد، برخی شاخص‌ها در تبیین توسعه اجتماعی وجود دارد که با شدت بیشتر و کمتر در همه رویکردها به آن توجه شده است. مفاهیمی چون رفاه اجتماعی، عدالت و برابری اجتماعی، کیفیت زندگی و مشارکت. چرا که در رویکردهای نظری و عملی متأخر توسعه اجتماعی، علاوه بر نقش نهادهای دولتی در پاسخگویی به نیازهای انسانی، توسعه ظرفیت‌های افراد، شبکه‌ها، جوامع و سازمان‌های غیردولتی و خصوصی نیز مورد توجه قرار گرفته است (Migdely, 2014:75).

توسعه اجتماعی به‌عنوان امری معطوف به بهبود وضعیت اجتماعی زندگی انسان، به‌رغم آنکه در پنج دهه گذشته مورد توجه جدی صاحب‌نظران و اندیشمندان جهان قرار گرفته، اما هنوز از جایگاه بایسته‌ای در نظام برنامه‌ریزی و توسعه کشور برخوردار نبوده یا حداکثر به‌عنوان مقوله‌ای در حاشیه مباحث توسعه، به‌ویژه توسعه اقتصادی یا صنعتی مورد توجه قرار گرفته است (Azadarmaki & et.al, 2012:7). در توسعه اجتماعی، دگرگونی و تغییر جامعه در کلیت آن مورد نظر است. توجه اساسی بیشتر بر تغییر و بهبود نحوه زندگی و ارزیابی جریان‌ها و تحول اجتماعی است تا تغییر در یک سازمان و یا نهاد اجتماعی. استراتژی‌های توسعه اجتماعی نیز در جهت بهبود کیفیت زندگی انسانی بوده و پاسخگویی به نیازهای اساسی انسان را مدنظر دارد. از این‌رو، استراتژی‌های توسعه اجتماعی، شامل نیازهای رفاهی، نیازهای فرهنگی، نیازهای روانی، نیاز در تطبیق‌پذیری و نیاز به رشد و ترقی می‌باشد که در مجموع از عمده‌ترین نیازهای انسان در جامعه جدید است (Azkia, 2014:35).

هدف اصلی توسعه پایدار، تأمین نیازهای اساسی، بهبود استانداردهای زندگی برای همه، حفاظت و مدیریت بهتر اکوسیستم‌ها است. اغلب پژوهشگران توسعه پایدار را در سه محور اصلی زیست‌محیطی، اجتماعی و اقتصادی بررسی می‌کنند. توسعه پایدار باید اهداف خود را در این سه محور به‌طور هم‌زمان، به‌صورت ذیل محقق سازد: رشد اجتماعی که هدف

^۱ social development

آن برآورده نمودن نیازهای اکثر مردم باشد، اقدام‌های مؤثر جهت حفظ محیط زیست و دقت در مصرف منابع طبیعی (Alsakarneh & et. al, 2015).

مفهوم توسعه اجتماعی پایدار^۱ دارای مشکلات متعددی است که از آن جمله می‌توان به فقدان تعاریف یکنواخت، تأکید بر یک وضعیت جامع و پیچیده یا سیستماتیک و تمایل به تنوع جنبه‌های اجتماعی برای اقدام اشاره کرد (Saraiva & et. al, 2019). پژوهش‌هایی که به بررسی توسعه اجتماعی پایدار می‌پردازند، اگر چه حوزه‌های مختلف توسعه اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی را در نظر می‌گیرند، اما آن‌ها را به‌مثابه بخشی از یک سیستم نگاه نمی‌کنند. علاوه بر این، بررسی‌ها نتوانسته‌اند فرهنگ دگرگونی واحدی را در سراسر جهان ایجاد کنند که منجر به اتخاذ تصمیم‌هایی شود که برای غلبه بر توسعه‌نیافتگی اجتماعی، اقتصادی و اکولوژیکی کنونی لازم است (Svanstrom & et. al, 2008).

با توجه به خلأ موجود در رابطه با موضوع توسعه اجتماعی پایدار و عدم وجود تعریف واحد از این مفهوم، در این پژوهش سعی شده است به مفهوم توسعه اجتماعی پایدار در نظام معنایی دبیران علوم اجتماعی پرداخته شود و ادراک آن‌ها در این زمینه مورد واکاوی قرار گیرد. همچنین به این موضوع پرداخته شده که توسعه و نیل به توسعه اجتماعی پایدار در نظام معنایی مشارکت‌کنندگان چگونه است و این مشارکت‌کنندگان چه نوع تفسیری از شرایط علی، مداخله‌ای و زمینه‌ای دارند. در نهایت، با توجه به داده‌های پژوهش، تلاش شده تا مدلی پارادایمی از توسعه اجتماعی پایدار، ابعاد، شاخص‌ها و مؤلفه‌های اصلی آن ارائه شود که این اهداف در جهت توسعه مفاهیم نظری جهت تبیین مسئله می‌باشد.

ادبیات نظری و تجربی پژوهش

به لحاظ نظری، توسعه اجتماعی اصطلاحی دو قسمتی است شامل مفهوم «توسعه» و «اجتماعی». توسعه بر اساس معانی که در لغت‌نامه‌ها برای آن درج شده عمل یا فرآیند رشد به یک حالت یا وضعیت پیشرفته‌تر و تکامل یافته‌تر است (Perkio, 2009). این اصطلاح هر چند اشاره به فرآیند تغییر در جامعه دارد، اما از همان ابتدا با نوسازی^۲ و پیشرفت اقتصادی در کشورهای در حال توسعه پس از جنگ جهانی دوم پیوند خورد که در آن دوره با رشد اقتصادی و صنعتی شدن تعریف می‌شد (Mijali, 2019). کلمه «اجتماعی»

^۱ sustainable social development

^۲ modernization

به تعامل‌های بین انسان‌ها و پدیده‌های پیچیده‌ای که از این تعامل‌ها به وجود می‌آیند مانند گروه‌ها و انجمن‌ها، شبکه‌های اجتماعی، ارزش‌ها، فرهنگ‌ها و نهادها اشاره دارد (Vaezzadeh & Eyaseh, 2020:7).

در یک دسته‌بندی کلی، تعاریف موجود از توسعه اجتماعی به دو دسته عمده تعاریف خاص و تعاریف عام تقسیم می‌شوند. تعاریف خاص شامل آن دسته از تعاریف است که بر یک یا چند بعد خاص مانند سرمایه اجتماعی، آزادی‌های فردی، مشارکت مردم و ... تأکید ورزیده و اهمیت آن را در فرآیند توسعه اجتماعی برجسته ساخته‌اند، اما در تعاریف عام، توسعه اجتماعی به مثابه یک کلیت در نظر گرفته شده است و بر مفاهیمی چون کیفیت زندگی، انرژی‌های بشر و مانند آن استوار است (Fazeli & et. al, 2013:161-164)؛ همچنین تعاریف توسعه اجتماعی ممکن است رفاه‌گرا یا مارکسیستی باشند. رفاه‌گرایان، مفهوم توسعه اجتماعی را در حرکت جامعه به سوی کیفیت بهتر زندگی می‌بینند در مقابل، مارکسیست‌ها بر ارزش‌های مبتنی بر برابری اجتماعی تأکید می‌کنند (Vaez Zadeh & Eyaseh, 2020:8).

از جمله تعاریف عامی که به نظر می‌رسد ابعاد مختلف موضوع را پوشش دهد از سوی Jacobs & Cleveland, 2008 ارائه شده است. آن‌ها توسعه اجتماعی را فرآیندی می‌دانند که فعالیت‌ها و انرژی‌های بشر را در سطوح بالا در جهت رسیدن به نتایج بهتر سازمان‌دهی و از توان او استفاده کند. آن‌ها معتقدند که توسعه اجتماعی یک حرکت رو به بالای اجتماعی است که انرژی، کارایی، کیفیت، تولیدگری، پیچیدگی، درک مطلب، آفرینش‌گری، آزادی و اختیار، چیرگی، بهره‌مندی و دستاورد جامعه را از سطوح پایین به سطوح بالاتر ارتقاء می‌دهد. توسعه افراد و جوامع موجب می‌شود که آزادی و اختیار بشر افزایش یابد و توانمندی او برای انجام این آزادی‌ها نیز بالا رود.

توسعه اجتماعی پایدار شاخصی از توسعه پایدار است که به توسعه یک جامعه از نظر اجتماعی می‌پردازد. این موضوع نشان‌دهنده خطر گسترش بیش از حد سیستم‌های اکولوژیکی و اجتماعی در صورت نادیده گرفته شدن توسعه پایدار است. تحقق توسعه اجتماعی پایدار به طور ایده‌آل بر عهده اکثر بازیگران اجتماعی، به ویژه نهادهای سیاسی و اقتصادی و سازمان‌های اجتماعی است. جهت‌گیری بازیگران باید ایده پایداری به طور کلی و اهداف اجتماعی باشد که توسط سیاست و علم به طور خاص تعریف می‌شود. عملیاتی‌سازی علمی اهداف برای بعد اجتماعی توسعه پایدار توسط Kopf Müller & et. al, 2017 ارائه شده است. با اولویت حفظ فرصت‌های فردی برای توسعه و اقدام، جنبه‌های فرعی زیر

تعریف می‌شود: (۱) مشارکت در فرآیندهای تصمیم‌گیری اجتماعی، (۲) حفظ منابع اجتماعی، (۳) برابری فرصت‌ها در آموزش، شغل و اطلاعات و (۴) حفظ تنوع فرهنگی و میراث فرهنگی (Ketschau, 2017:340).

یکی از نظریه‌های موجود در ارتباط با توسعه اجتماعی پایدار، نظریه *Welzel* می‌باشد. بر اساس نظریه وی، رشد منابع فکری، ارتباطی و مادی منجر به شکل‌گیری ارزش‌های رهایی‌بخش مشترک می‌شود که موجب کنش‌های جمعی می‌گردد. در نتیجه، دولت مجبور است آزادی‌ها را تضمین کند و از این طریق حقوق بشر را حفظ نماید. این کار توانایی‌های خلاقانه افراد را آزاد کرده و پیشرفت فنی را ارتقا می‌دهد. وی شاخص ارزش رهایی‌بخش را بر اساس ۱۲ شاخص ایجاد می‌کند که به چهار گروه تقسیم می‌شوند. گروه اول متشکل از پاسخ‌دهندگان به این سؤال است که آیا استقلال، تخیل و اطاعت را از ویژگی‌های مطلوب کودکان می‌دانند؟ پرسش‌های گروه دوم نشان می‌دهد که پاسخ‌دهندگان تا چه اندازه طلاق، سقط جنین و همجنس‌گرایی را قابل قبول می‌دانند. سومین گروه از شاخص‌ها نگرش پاسخ‌دهندگان را به برابری جنسیتی مشخص می‌کند. در نهایت، گروه چهارم نشان می‌دهد که آیا پاسخ‌دهندگان به توانایی آزادی بیان عقیده‌شان اهمیت می‌دهند یا خیر. ولزل این شاخص را برای ۹۵ کشور که بیش از ۹۰ درصد از جمعیت جهان را تشکیل می‌دهند، ساخته است. او با استفاده از این شاخص، محاسبات اقتصادسنجی متعددی را انجام داد که وجود چرخه رهایی‌بخشی را نشان می‌داد و به نظر وی سایر نظریه‌ها که بر نظریه نهادهای فراگیر در توسعه اجتماعی پایدار تأکید دارند، به صورت مطلوب به همه شاخص‌های توسعه اجتماعی پایدار نمی‌پردازند. در این نظریه، ساز و کارهای تحقق این روابط در نظر گرفته نمی‌شود و نظریه‌پرداز خود به این کاستی در نظریه خود اذعان دارد، اما معتقد است که غلبه بر آن بسیار دشوار است (Wilzel, 2013: 282).

در سال‌های اخیر مطالعات متعددی در رابطه با توسعه اجتماعی و شناسایی ابعاد و مؤلفه‌های توسعه اجتماعی و توسعه اجتماعی پایدار انجام شده است. در این بخش سعی می‌شود به برخی از این مطالعات و یافته‌های آن به صورت خلاصه اشاره می‌شود. نتایج وطنی و همکاران (۱۴۰۱)، نشان داد که مهارت‌آموزی و کارآفرینی با توسعه پایدار اجتماعی ارتباط مثبت، معنی‌دار و قوی دارند. همین‌طور اعتماد اجتماعی و پایداری اقتصادی رابطه معنی‌دار و قوی با توسعه اجتماعی پایدار دارد. بر اساس نتایج پژوهش دولت‌خواه اجیرلو و همکاران (۱۴۰۱)، شرایط علی هم‌چون بافت قومی و قبیله‌ای، عدم نخبه‌گرایی، وابستگی به دولت و ضعف سرمایه اجتماعی شناسایی شدند. ضعف سرمایه فرهنگی، عدم کارایی و

اثر بخشی و فقدان روحیه فزون خواهی به عنوان شرایط مداخله گر انتزاع گردید. مشکلات اکولوژیک و پایین بودن میزان سرمایه گذاری هم در شرایط بستری (زمینه ای) طبقه بندی شده اند. توسعه نامتوازن که سایر مقوله ها را در بر می گیرد، به عنوان مقوله هسته این مطالعه انتزاع گردید.

نتایج پژوهش عباسزاده و همکاران (۱۴۰۱)، نشان داد که تمام کشورهایی که دارای توسعه اجتماعی بالایی هستند، فرهنگ سیاسی دموکراتیک دارند و جزء جوامع دارای حکومت دموکراتیک کامل محسوب می شوند، در حالی که کشورهایی که از نظر توسعه اجتماعی متوسط هستند، دارای نظام دموکراتیک ناقص محسوب می شوند. نتایج پژوهش یوسفی و میرزایی (۱۴۰۰)، بیانگر آن است که سازمان های مردم نهاد بر توانمندسازی اجتماعی تأثیرگذار هستند و از بین فعالیت های تعریف شده برای سازمان های مردم نهاد تنها فعالیت پیشگیری از آسیب اجتماعی بر توانمندسازی فرهنگی تأثیرگذار است. بر اساس نتایج پژوهش واعظزاده و ایاسه (۱۳۹۹)، توسعه اجتماعی در اندیشه دولت مردان کشور محدود به تأمین برخی از نیازهای اولیه است. همچنین مواد مندرج در این برنامه ها بسیاری از مؤلفه های اصلی توسعه پایدار شهری مانند مشارکت اجتماعی، تنوع فرهنگی و اقلیت ها و گروه های خاص را در بر نمی گیرند.

یافته های پژوهش دانش مهر، قادرزاده و شریفی (۱۳۹۷)، نشان داد که بین میزان استفاده از رسانه های ارتباط جمعی با متغیرهای توسعه اجتماعی و دو بعد آن یعنی، کیفیت زندگی، اخلاقیات توسعه اجتماعی رابطه معنی داری وجود دارد. نتایج پژوهش سجادی و واحدی یگانه (۱۳۹۶)، نیز بیانگر آن است که عواملی مانند همگرایی اجتماعی قوی میان همسایگان، اعتماد بین ساکنان محله و حس تعلق مطلوب به محله بیشترین تأثیر را در توسعه اجتماعی پایدار محله دارند. گلشنی، جدیدی و اسکندری (۱۳۹۱)، پژوهشی با عنوان نقش رسانه در توسعه اجتماعی و سیاسی انجام داده اند. نتایج این پژوهش نشان داد که رابطه مستقیمی بین الگوهای رسانه ها و الگوی توسعه اجتماعی هر نظام اجتماعی وجود دارد.

Eriksson & et. al, 2021 در پژوهشی که در مورد سرمایه اجتماعی و توسعه اجتماعی پایدار انجام شده، به این نتیجه دست یافتند که سیاست های محلی جهت ارتقای سرمایه اجتماعی و توسعه اجتماعی پایدار باید برای ادغام گروه های جمعیتی متنوع در محله ها تلاش کنند و فرصت ها را برای تعامل های بین قومی افزایش دهند. *Luna-Nemecio & et. al (2020)* پژوهشی با عنوان «پایداری مبتنی بر شکل دهی اجتماعی و

تفکر پیچیده یا توسعه اجتماعی پایدار» انجام داده‌اند. این مطالعه با تعیین اهمیت بازتعریف این مفهوم از تفکر پیچیده و شکل‌گیری اجتماعی برای غلبه بر محدودیت‌ها و شکاف‌ها، خطوط جدیدی از پژوهش در مورد توسعه اجتماعی پایدار را پیشنهاد می‌کند. استفاده از تفکر پیچیده و شکل‌گیری اجتماعی برای بهبود توسعه اجتماعی پایدار و همچنین ایجاد یک فرآیند فرارشته‌ای با تمرکز بر پروژه‌های آموزشی مشترک با هدف ایجاد تحولات فوری که در سازمان اجتماعی، آموزش، فرآیندهای تولید و مصرف، شهرنشینی و حفاظت از تنوع زیستی مورد نیاز است، پیشنهاد شده است.

پژوهشی توسط *Prathap & Kamraju (2019)* در مورد چارچوب مفهومی جدید برای توسعه پایدار انجام شده است و به این نتیجه رسیدند که توسعه اجتماعی با همکاری با دولت‌ها، جامعه مدنی، بخش خصوصی و افراد به حاشیه رانده شده، شکل می‌گیرد. شواهد تجربی نشان می‌دهد که توسعه اجتماعی باعث رشد اقتصادی می‌شود و منجر به مداخله‌های بهتر و کیفیت زندگی بالاتر می‌شود. *Terziev (2018)* پژوهشی با عنوان «اهمیت منابع انسانی در توسعه اجتماعی» انجام داده است. مطالعه حاضر به تجزیه و تحلیل ویژگی‌های کلیدی منابع انسانی و اهمیت فعالیت اجتماعی پرداخته و عوامل اصلی ایجاد تغییر و پیشنهاد به‌کارگیری مدل «صلاحیت جمعی» را ارائه داده است. کتسچایو (۲۰۱۷)، پژوهشی با عنوان «توسعه پایدار اجتماعی یا توسعه اجتماعی پایدار - دو روی یک سکه؟» انجام داده است. این پژوهش به این نتیجه دست پیدا کرده که توسعه بعد اجتماعی پایداری در دوگانه‌گرایی اصطلاحی مورد بحث قرار می‌گیرد که برای خود مفهوم ضروری است: توسعه اجتماعی پایدار که در ارتباط با پرداختن به ایده جامعه پایدار اجتماعی می‌باشد و توسعه پایدار اجتماعی که با اجرای پایداری در ساختار جامعه پیوند دارد. *Vogelgesang (2016)* در پژوهشی نشان داد که رابطه میان رفاه و توسعه اجتماعی را منوط به فرآیند هدایت‌گری و برنامه‌های کلان دولت می‌داند. از نظر وی، شاخص‌های پرورش و سرمایه‌گذاری انسانی از مهم‌ترین عوامل در افزایش کیفیت توسعه اجتماعی، به‌ویژه در جهان سوم است.

در جمع‌بندی از پژوهش‌های داخلی و خارجی می‌توان گفت که بررسی‌های اندکی در ارتباط با توسعه اجتماعی پایدار و یا ابعاد و شاخص‌های اجتماعی توسعه پایدار انجام شده است و اکثریت این پژوهش‌ها به سایر ابعاد توسعه پایدار پرداخته‌اند. از سوی دیگر، می‌توان گفت که پژوهش‌های بسیار اندکی با رویکرد و تحلیل جامعه‌شناختی در این موضوع انجام شده‌اند و اکثر پژوهش‌های انجام شده در رشته‌های مدیریت، اقتصاد و ... می‌باشند. بررسی

نشان می‌دهد که پژوهش‌های معدود انجام شده در این موضوع با رویکرد کمی انجام شده‌اند و اطلاعات با استفاده از پرسشنامه گردآوری شده و با به‌کارگیری روش‌های آماری، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند و از رویکرد کیفی مانند روش نظریه زمینه‌ای کمتر استفاده شده است. همچنین می‌توان گفت که در ایران، پژوهش منسجمی در مورد توسعه اجتماعی پایدار و واکاوی آن انجام نشده است و پژوهشی که به درک دبیران نظام آموزشی از توسعه اجتماعی پایدار پرداخته باشد نیز وجود ندارد و نظام معنایی آن‌ها در مورد توسعه اجتماعی پایدار کنکاش و واکاوی نشده است.

روش‌شناسی پژوهش

در پژوهش حاضر، از رویکرد کیفی و روش نظریه زمینه‌ای^۱ استفاده شده است. در این پژوهش، از نظریه زمینه‌ای تحول یافته اشتراوس و کوربین استفاده شده است. اهمیت این روش‌شناسی به قابلیت آن در نظریه‌سازی و از سوی دیگر، به ایجاد ظرفی برای تحلیل داده‌های کیفی است (Iman, 2012). این روش در پی دستیابی به سطحی بالاتر از توصیف، به دنبال تولید یا کشف نظریه است (Strauss and Corbin, 2012). مشارکت‌کنندگان پژوهش حاضر دبیران علوم اجتماعی در شهر شیراز بوده‌اند. این مشارکت‌کنندگان تجربیات زیادی در تدریس جامعه‌شناسی و درس‌های مربوط به علوم اجتماعی در مقاطع مختلف و به‌ویژه در مقطع متوسطه دوم یا همان دبیرستان دارند. مصاحبه با دبیران تا رسیدن به اشباع نظری، ادامه پیدا کرد. در این پژوهش ۱۵ نفر از دبیران علوم اجتماعی که به تدریس دروسی همانند جامعه‌شناسی، تاریخ و جغرافیا و به‌خصوص جامعه‌شناسی در دبیرستان‌های شهر شیراز مشغول بودند؛ مشارکت داشته‌اند که ویژگی‌های آن‌ها در جدول ۱ ارائه شده است.

^۱ grounded theory

جدول ۱: ویژگی‌های مشارکت‌کنندگان پژوهش

Table 1: Characteristics of Research Participants

مشارکت‌کننده	سن	جنسیت	تحصیلات	تجربه تدریس
Participant	Age	Gender	Education	Teaching Experience
۱	۲۵	زن	لیسانس	سه سال
۲	۳۲	مرد	فوق لیسانس	پنج سال
۳	۴۰	مرد	لیسانس	هفده سال
۴	۲۸	مرد	فوق لیسانس	شش سال
۵	۴۹	زن	فوق لیسانس	بیست و نه سال
۶	۲۹	مرد	لیسانس	چهار سال
۷	۴۹	مرد	لیسانس	بیست و هفت سال
۸	۳۶	زن	دکتری	نوزده سال
۹	۳۷	زن	دکتری	یک سال
۱۰	۴۷	مرد	لیسانس	بیست و پنج سال
۱۱	۴۶	مرد	فوق لیسانس	بیست سال
۱۲	۴۲	زن	دکتری	سه سال
۱۳	۲۷	مرد	فوق لیسانس	دو سال
۱۴	۳۳	زن	دکتری	ده سال
۱۵	۳۲	مرد	دکتری	نه سال

در انجام مصاحبه با مشارکت‌کنندگان تلاش شد از یک‌سو، مشارکت‌کنندگان وقت و زمان کافی داشته باشند و از سوی دیگر، مکان مصاحبه نیز متناسب انجام مصاحبه‌های کیفی باشد. برای رعایت اخلاق علمی، با ارائه یک برگ فرم رضایت‌نامه به هر فرد مشارکت‌کننده اطمینان داده شد که مصاحبه وی به‌طور کامل محرمانه خواهد بود و اطلاعات و داده‌های آن‌ها با نام مستعار ارائه خواهند شد. زمان مصاحبه با مشارکت‌کنندگان متغیر بوده است، به‌طوری که کمترین زمان ۳۰ دقیقه و بیشترین زمان ۹۰ دقیقه بوده است.

در پژوهش حاضر، برای انتخاب مشارکت‌کنندگان از دو روش نمونه‌گیری هدف‌مند^۱ و نمونه‌گیری نظری^۲ استفاده شد. در روش‌شناسی نظریه زمینه‌ای این مطالعه، جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها به‌طور هم‌زمان، انجام شده است تا به پیدایش نظریه مستقر در داده‌ها کمک

^۱ purposive sampling

^۲ theoretical sampling

کند. تکنیک اصلی مورد استفاده برای جمع‌آوری داده‌ها مصاحبه عمیق^۱ بوده است. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از سه نوع کدگذاری باز، محوری و انتخابی استفاده شده است. برای قابلیت اعتماد و صحت داده‌ها و تحلیل آن‌ها از سه روش استفاده از تکنیک ممیزی، کنترل یا اعتباریابی از سوی اعضا و مقایسه‌های تحلیلی استفاده شد. بر این اساس، این پژوهش زیر نظر متخصصان روش تحقیق کیفی انجام شده است و این متخصصان در همه فرآیند پژوهش، شامل مراحل کدگذاری، مقوله‌بندی مفاهیم و ساخت نظریه نظارت داشته‌اند. یافته‌های پژوهش نیز در اختیار مشارکت‌کنندگان قرار داده شد و از آن‌ها خواسته شد تا نظر خود را درباره یافته‌های کلی و صحت تحلیل‌ها ارائه دهند و اینکه صحبت‌های خود را با داده‌های پیاده شده تطبیق دهند. همچنین چندین مرحله به داده‌های خام رجوع شد تا ساخت‌بندی نظریه با داده‌های خام مقایسه و ارزیابی شود. پژوهشگران در این مرحله، فرآیند رفت و برگشتی میان مصاحبه‌های خام و مصاحبه‌های کدگذاری شده را انجام داده‌اند که بر این اساس مقایسه مداوم مصاحبه‌ها و فرآیند کدگذاری و ساخت نظریه صورت گرفته است.

یافته‌های پژوهش

یافته‌های پژوهش بر اساس سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی حاصل شده‌اند. در مرحله کدگذاری باز، بیش از ۵۰۰ مفهوم به دست آمد که این مفاهیم در مرحله کدگذاری محوری به حدود ۶۰ مقوله فرعی تبدیل شدند. کدگذاری انتخابی منجر به کشف ۱۵ مقوله اصلی و یک مقوله هسته و تعیین هر کدام از این مقوله‌های اصلی به شرایط علی، مداخله‌گر، شرایط زمینه‌ای، استراتژی و پیامدها گردید.

شرایط علی

شرایط علی؛ حوادث، وقایع و رویدادهایی که به وقوع یا گسترش پدیده‌ای می‌انجامد. شرایط علی متعددی بر پدیده پژوهش حاضر نقش دارند. آنچه در پژوهش حاضر به‌عنوان شرایط علی پدیده حاضر شناسایی شده‌اند در جدول زیر آمده‌اند.

^۱ in-depth interview

جدول ۲: شرایط علی

Table 2: Causal Conditions

مقوله اصلی یا محوری	مقولات فرعی
<i>The Main or Central Category</i>	<i>Subcategories</i>
آگاه‌سازی و بسترسازی رسانه‌ای و تسریع روند توسعه اجتماعی پایدار	نقش بی‌بدیل رسانه‌ها در نیل به توسعه
	رسانه‌ها و نقش جهت‌دهنده و سازنده در فرایند توسعه
	رسانه‌های جمعی و اطلاع‌رسانی و آگاهی‌سازی
	رسانه‌های جمعی و بسترسازی توسعه اجتماعی پایدار
طراحی سامانه هوشمند و نهادینه‌سازی آن در جامعه	ضرورت دسترسی به سامانه‌های هوشمند در جامعه
	نقش پررنگ هوشمند شدن زندگی در توسعه اجتماعی
	استفاده و طراحی مطلوب از سامانه هوشمند
ضرورت وافر تعامل و تجارت در دهکده جهانی	اهمیت حضور پررنگ در دهکده جهانی
	تعامل و تجارت جهانی و افزایش آن در دهکده جهانی
	بکارگیری استراتژی مطلوب در تجارت جهانی
تعامل با مراکز بین‌المللی آموزشی و فرهنگی به مثابه یکی از مؤلفه‌های توسعه	تعامل با مراکز بین‌المللی و گسترده‌تر شدن افق دید
	تعامل با دیگران و اطلاع از وضعیت آن‌ها و تطبیق آن با وضعیت موجود
	تعامل با دیگران و نیل به گشودگی اجتماعی
	استفاده از تجارب دیگر کشورها و الگو گرفتن از آن‌ها در تعاملات بین‌المللی

آگاه‌سازی و بسترسازی رسانه‌ای و تسریع روند توسعه اجتماعی پایدار

واکاوی مصاحبه‌های مشارکت‌کنندگان بیانگر آن است که این مشارکت‌کنندگان در فرآیند دستیابی به توسعه اجتماعی پایدار، برای رسانه‌های جمعی اهمیت زیادی قائل هستند و توجه به رسانه‌ها جمعی را یکی از ابعاد توسعه اجتماعی پایدار مطرح کرده و برای رسانه‌های جمعی نقش‌های زیادی از جمله نقش بسترسازی و آماده ساختن شرایط توسعه و آگاه‌سازی تعریف می‌کنند.

یکی از مشارکت‌کنندگان به نقش‌های زیاد رسانه‌ها در فرآیند توسعه اشاره می‌کند و اعتقاد دارد که پنجاه درصد از بار توسعه بر دوش رسانه‌ها می‌باشد. این مشارکت‌کننده در این زمینه دیدگاه خود را بدین نحو بیان می‌دارد:

«خب رسانه خیلی خیلی مهم است. رسانه شاید پنجاه درصد بار توسعه را به دوش می‌کشد. رسانه از طریق فضای مجازی باشد یا رسانه ملی باشد. توسعه قدم اولش این است

که آدمها پیش هم هستند و نیاز به توسعه را احساس می‌کنند و قدم برمی‌دارند به سمت توسعه. رسانه کار اولش آگاه‌سازی هست؛ که ما در رفاه اجتماعی، آموزش، سیاست و توسعه حق ما هست و ما باید به این باور برسیم و وقتی این اتفاق می‌افتد باعث می‌شود وقتی آدمها آگاه شدند بعد از اون تلاش برای رسیدن به توسعه است. به نظر من رسانه قدم اول است و بعد آگاه‌سازی جامعه است» (مشارکت‌کننده ۱).

رسانه‌ها نقش جهت‌دهنده و سازنده در فرآیند دستیابی به توسعه و توسعه اجتماعی دارند، یکی از مشارکت‌کنندگان در همین راستا دیدگاه خود را به این صورت بیان می‌کند: «قطعاً نقش جهت‌دهنده دارند و نقش سازنده دارند چه در ایران و چه در جاهای دیگر مثلاً یکی از مواردی که مطرح بود از انتخابات آمریکا کاریکاتور جالبی که بود مجسمه در حال سقوط بود که مردم زیرش را گرفتن بکشند بالا. خب هرکدام از این‌ها یک رسانه آمریکا بودن که مجسمه بایدن بود؛ که رسانه جهت دادن و این را آوردن بالا. نقش مهم اصلی را دارد رسانه. بحث‌هایی که رابطه با آموزش داشتیم در رسانه نمود پیدا می‌کند» (مشارکت‌کننده ۱۲).

یکی از مشارکت‌کنندگان در فرآیند توسعه و نقش رسانه‌های جمعی در آن به پیوند رسانه‌های جمعی و ایدئولوژی اشاره می‌کند و معتقد است که اگر رسانه‌های جمعی در خدمت ایدئولوژی باشند، نمی‌توانند نقش‌های سازنده خود را انجام دهند. این مشارکت‌کننده به این صورت دیدگاه خود را شرح می‌دهد:

«اگر رسانه‌ها در خدمت ایدئولوژی باشن خیر. اگر در راستای بازار آزاد باشه بله. اگر رسانه‌های جمعی کار خود را به درستی انجام دهند می‌توانند تسریع‌کننده توسعه اجتماعی باشن» (مشارکت‌کننده ۳).

طراحی سامانه هوشمند و نهادینه‌سازی آن در جامعه

مشارکت‌کنندگان اعتقاد دارند که یکی دیگر از شرایط علی نیل به توسعه اجتماعی پایدار در ارتباط با هوشمندسازی سامانه‌ها و نهادینه شدن آن در جامعه می‌باشد و نیاز به آموزش و بسترسازی آن در جامعه بسیار ضرورت دارد. یکی از مشارکت‌کنندگان در این ارتباط اعتقاد دارد که در جامعه نیاز هست که سامانه‌ها به‌صورت هوشمند طراحی شوند و

آموزش‌های لازم در زمینه استفاده مطلوب از سامانه‌های هوشمند در جامعه نیز باید انجام شود. این مشارکت‌کننده به این صورت دیدگاه خود را شرح می‌دهد:

«به نظر من اگر زیرساخت بشود و آدم‌ها یاد بگیرند که استفاده کنند مثلاً بعضی بانک‌ها یک سری سامانه هوشمند طراحی کردند ولی آدم‌ها آموزش ندیده‌اند استفاده کنند برای همین اگر زیرساخت آموزشی آن وجود داشته باشد. مثلاً در خانه یک سری کارها را انجام بدیم و عدم مراجعه و سرعت همه این‌ها کمک می‌کند به توسعه اجتماعی و اقتصادی» (مشارکت‌کننده ۱).

یکی از مشارکت‌کنندگان دیگر در این زمینه نظر خود را به این صورت بیان می‌کند:

«قطعاً الکترونیکی شدن سامانه‌ها و گام‌های اولیه در راه‌های توسعه اجتماعی چون اولین کاری که می‌کنه الکترونیکی شدن سامانه‌ها اینه که اون همه وقتی که قبلاً آدم‌ها برای یک سری کارهای ساده از دست می‌دادند الان کمتر شده در هر تایمی از شبانه‌روز می‌توانند دسترسی به این سامانه‌ها داشته باشند دیگه یک تایم اداری نیست و سرعت کار بالاتر رفته و حتی می‌تونن هم‌زمان که می‌تونن در خانه نشستی کار دیگه انجام بدهی درکنارش این الکترونیکی شدن کارها را برامون ساده‌تر کرده برامون وقتی اتفاق بیفته و در اختیار همه قشرهای جامعه قرار بگیره قطعاً یکی از بعدهای توسعه اجتماعیش می‌تونه الکترونیکی شدن سامانه‌ها باشه» (مشارکت‌کننده ۶).

ضرورت وافر تعامل و تجارت در دهکده جهانی

ارتباطات و پیشرفت‌های اخیر تکنولوژی، جهان را به شکل یک دهکده جهانی ساخته‌اند و ضرورت دارد که در این دهکده جهانی، تعامل و ارتباطات گسترده‌ای با دیگران داشته باشیم و به‌ویژه تجارت جهانی در این دهکده جهانی از اهمیت بسیار زیادی برخوردار می‌باشد. مشارکت‌کنندگان به همین موضوع اشاره می‌کنند و اعتقاد دارند که حضور در این دهکده جهانی یعنی بی‌معنا بودن مرزهای جغرافیایی و کمرنگ شدن تأثیر آن‌ها. همچنین معتقد هستند که اگر در این دهکده جهانی، با سایر کشورها تجارت مطلوبی داشته باشیم و تعامل مطلوبی برقرار کنیم می‌توانیم به یک نوع تفکر توسعه‌محور دست پیدا کنیم و این وضعیت منجر به توسعه اجتماعی پایدار می‌شود. یکی از مشارکت‌کنندگان دیدگاه خود را بدین نحو بیان می‌دارد:

«خب عصر الان عصر به قول دهکده جهانی هست که مرزهای جغرافیایی برداشته شده زمانی که مرزها برداشته بشه ما با دنیا در تعامل هستیم و نیازهاشون می‌دونیم با سلیقه‌هاشون و ذائقه‌هاشون آشنایی داریم که با اینکه چه چیز دوست دارند چه سلیقه‌هایی و چه علاقه‌هایی دارند سعی می‌کنیم اگر بخواهیم در این زمینه تلاش کنیم تجارت داشته باشیم با توجه به اینکه نیازهای اون طرف و محله و کشور را شناختیم در آنچه که بهش دسترسی داریم و می‌توانیم تهیه کنیم با آن‌ها راحت زیارت کنیم و در این راه کسب درآمد کنیم قطعاً این باعث می‌شه به همه لحاظ و هم لحاظ فرهنگی از اون‌ها تأثیر بپذیریم هم به نقش‌های مثبت و فرهنگ‌های مثبت اون‌ها رو بپذیریم تفاوت‌ها را بپذیریم و تعصبات را کنار بگذاریم و این خودش ناخودآگاه یا آگاهانه در فرهنگ ما تأثیر می‌پذیره و ما را به یک نوع توسعه اجتماعی و یک نوع دیدگاه و یک نوع تفکر توسعه‌مندانه سوق می‌دهد» (مشارکت‌کننده ۷).

تعامل با مراکز بین‌المللی آموزشی و فرهنگی به‌مثابه یکی از مؤلفه‌های توسعه اجتماعی پایدار

از نظر مشارکت‌کنندگان یکی دیگر از شرایط علی در دستیابی به توسعه اجتماعی پایدار، تعامل با مرکز بین‌المللی آموزشی و فرهنگی می‌باشد. از نظر مشارکت‌کنندگان، در مسیر نیل به توسعه اجتماعی پایدار، لازم است تعامل‌های پیوسته‌ای با سایر مراکز بین‌المللی به‌وجود بیاید و تجارب و الگوهای مختلف توسعه اجتماعی پایدار در حین این تعامل آشکار می‌شوند.

از نظر مشارکت‌کنندگان، تعامل با مرکز بین‌المللی اعم از مراکز فرهنگی و آموزشی موجب تسریع فرآیند توسعه اجتماعی پایدار می‌شود و کشورها را با چالش‌های مختلف توسعه اجتماعی پایدار آشنا می‌سازد و راهکارهایی که سایر کشورها و با توجه به وضعیت و شرایط خود استفاده کرده‌اند را نیز در اختیار آن‌ها قرار می‌دهد. بر همین اساس، تعامل با مراکز بین‌المللی موجب تسریع فرآیند توسعه اجتماعی پایدار می‌شود. یکی از مشارکت‌کنندگان در این زمینه دیدگاه خود را به این صورت شرح می‌دهد:

«طبیعتاً ما در جامعه و جهانی زندگی می‌کنیم که اگر بخواهیم در کلان‌تر نگاه کنیم همش به هم مربوط هستن و با هم در ارتباط هستن مثل جامعه جهانی مک‌لوهان که اشاره می‌کنه که تأثیرات یک منطقه و اتفاقات یک منطقه تأثیرش در جامعه دیگه کاملاً مشهود هست مثل همین جنگ‌هایی که اتفاق می‌افته، ناآرامی‌هایی که وجود داره می‌بینید که تأثیرش در کل دنیا قابل مشاهده هست مثل بحران درگیری روسیه با کشور اکراین شاید دو کشور با هم درگیری داشته باشند ولی روی کل دنیا تأثیرش هست مثل نقش محوری که اکراین در تولید غلات داشته یا کشورهای عضو ناتو را از لحاظ سیاسی اجتماعی درگیر کرده است. از این طرف روسیه دنبال متحدین خودش هست در کل حتی کشورهایی که از ابتدا ربطی به این موضوع نداشتن الان مجبورن به جورایی یا به این طرف پیوند بخورند یا اون طرف. با مراکز بین‌المللی ما نمی‌تونیم ارتباط خودمون را قطع کنیم. اینکه همیشه الگوها باید راهکارهایی که در کشور ما باید توسعه اجتماعی استفاده کرد و از خیلی‌هاش ایده و فکری در کشور ما نبوده است. در مسائل اجتماعی اصلاً همیشه ایده را به جای خاص منسوب کرد و ما برای اینکه مسیر توسعه اجتماعی سریع‌تر طی بشه باید با تعامل با بقیه نهادها باشیم و از دانش آن‌ها استفاده کنیم» (مشارکت‌کننده ۱۰).

یکی دیگر از مشارکت‌کنندگان در این زمینه ادراک خود را به این صورت شرح می‌دهد:

خب ما زمانی می‌تونیم به توسعه اجتماعی پایدار دست پیدا کنیم که عوامل متعددی در به وجود اومدن توسعه دخالت داشته باشن وگرنه ما با عوامل محلی و سطحی نمی‌تونیم پیشرفت کنیم و به توسعه دست پیدا کنیم باید با دنیا در ارتباط باشیم باید با مراکز آموزشی بین‌المللی حتماً در ارتباط باشیم شاید همه اعضا نتونن باهاشون درگیر باشن و ارتباط داشته باشن و دسترسی نداشته باشن ولی خب افراد جامعه به‌طور کلی باید به این مراکز و این سطح آموزشی دسترسی پیدا کنند و این‌ها قطعاً نقش خیلی مهم‌تری در توسعه اجتماعی ایفا می‌کنند (مشارکت‌کننده ۷).

شرایط زمینه‌ای و بستر

شرایط زمینه‌ای یا بستر سلسله خصوصیات ویژه‌ای که به پدیده‌ای دلالت می‌کند؛ یعنی محل حوادث و وقایع متعلق به پدیده مرکزی. بر این اساس در پژوهش حاضر، شرایط زیر به‌عنوان شرایط زمینه‌ای کشف شدند.

جدول ۳: شرایط زمینه‌ای و بستر

Table 3: Background Conditions and Substrate

مقوله اصلی یا محوری	مقولات فرعی
The Main or Central Category	Subcategories
توزیع عادلانه امکانات و منابع بین مناطق	عدم توزیع عادلانه امکانات به مثابه یکی از موانع عدم توسعه‌یافتگی اجتماعی
	توزیع عادلانه امکانات و منابع بین مناطق شهری و روستایی
	عدم توزیع عادلانه امکانات و شکل‌گیری مناطق حاشیه‌ای
	عدم توزیع عادلانه امکانات و مواجهه با چالش‌های مختلف
توجه به ارزش‌های فرهنگ محلی به‌مثابه یک الزام مهم توسعه اجتماعی پایدار	توجه به ارزش‌های محلی و پذیرش توسعه اجتماعی
	توجه به ارزش‌های محلی در برنامه‌های توسعه اجتماعی
	همراهی و مشارکت افراد جامعه در صورت توجه به ارزش‌های آنها

توزیع عادلانه امکانات و منابع بین مناطق

مشارکت‌کنندگان اعتقاد راسخی در رابطه با توزیع امکانات و منابع و توزیع عادلانه آن در جامعه به‌عنوان یکی از شرایط زمینه‌ای دارند و اعتقاد دارند که این وضعیت در جامعه مسیر دستیابی به توسعه اجتماعی را هموار می‌کند. مشارکت‌کنندگان اعتقاد دارند که جامعه‌ای می‌تواند مراحل توسعه اجتماعی پایدار را با موفقیت پشت سر بگذارد که در آن جامعه امکانات و منابع بین مناطق شهری و روستایی و بین مناطق مختلف شهری به‌صورت عادلانه توزیع شده باشند. مشارکت‌کنندگان عدم توزیع عادلانه امکانات در جامعه را به‌مثابه یکی از موانع اصلی عدم توسعه‌یافتگی اجتماعی می‌دانند. یکی از مشارکت‌کنندگان در این زمینه دیدگاه خود را به این صورت شرح می‌دهد:

«به نظر من یکی از مهم‌ترین مانع‌هایی که در جامعه مانع توسعه اجتماعی می‌شود توزیع نابرابر و ناعادلانه امکانات هست که در جامعه ما این توزیع ناعادلانه خیلی وجود دارد خودمون می‌دونیم که توزیع ناعادلانه امکانات مخصوصاً در مناطق استان‌های‌های کشور ما وجود داره مثلاً می‌بینیم که همه امکانات برای پایتخت‌نشین هست برای مراکز استان هست استان‌هایی که حالا قومیت خاصی دارند یا مذهب خاصی دارند متأسفانه از هیچ امکاناتی بهره‌مند نیستند و این باعث یک سرخوردگی می‌شه» (مشارکت‌کننده ۵).

مشارکت‌کننده دیگری در این زمینه نیز اعتقاد دارد که عدم توزیع مطلوب منابع در جامعه موجب عدم توازن بین مناطق جامعه و شکل‌گیری مناطق حاشیه‌ای و بالاشهر می‌شود

و این وضعیت توسعه اجتماعی پایدار را با چالش‌های مختلفی روبه‌رو می‌کند. این مشارکت‌کننده دیدگاه خود را به این صورت شرح می‌دهد:

«اگر امکانات شهری به‌صورت عادلانه بین مناطق مختلف توزیع نشود منجر به عدم توازن در اقبال جامعه به‌وجود می‌آید و مناطقی تحت عنوان مناطق پست‌تر و مناطقی تحت عنوان مناطق بهتر شکل می‌گیرد می‌توانیم تعبیر کنیم مناطق بالاشهر و پایین‌شهر رخ می‌دهد و منجر به نگاه بالاشهری و پایین‌شهری در روند توسعه اجتماعی پایدار بشود» (مشارکت‌کننده ۸).

توجه به ارزش‌های فرهنگ محلی به‌مثابه یک الزام مهم توسعه اجتماعی پایدار

علاوه بر اینکه ارزش‌های محلی منجر به پذیرش توسعه اجتماعی می‌شود، توجه به ارزش‌های فرهنگ محلی به‌عنوان یک الزام و ضرورت مبرم قلمداد می‌شود، یعنی اینکه اگر برنامه‌های توسعه اجتماعی موجب دگرگونی عمیق ارزش‌های محلی شوند، آن جامعه نمی‌تواند به توسعه اجتماعی پایدار دست پیدا کند. یکی از مشارکت‌کنندگان در مورد الزام توجه به ارزش‌های فرهنگ محلی به این صورت دیدگاه خود را شرح می‌دهد:

«زمانی جامعه، جامعه متمدن خواهد شد که جامعه فرهنگ محلی خودش را هم حفظ کرده باشد و افراد جامعه اون افرادی هستند که فرهنگشون از خودشون بهشون رسیده زمانی که به‌طور ناخودآگاه و به‌طور سریع این فرهنگ‌ها را پشت پا می‌زارن که به یک فرهنگ جدید رو بیارن این فرهنگ جدید براشون خیلی مشکلات و دردسرهایی خواهد داشت و این‌ها را از اصل خودشون و ذات خودشون دور خواهد کرد و دوباره نمی‌تونن به سطح توسعه دست پیدا کنند در واقع یک الزام مهم توسعه اجتماعی این هست که افراد فرهنگ محلی خودشون را حفظ کنند و سعی کنن اون را همیشه به پا دارنند و حفظ کنند» (مشارکت‌کننده ۹).

شرایط مداخله‌گر

شرایط میانجی یا مداخله‌گر شرایط ساختاری که به پدیده‌ای تعلق دارند و بر راهبردهای کنش و کنش متقابل تأثیر می‌گذارند. این شرایط، راهبردها را در درون زمینه خاصی تسهیل و یا آن را محدود و مقید می‌کنند. شرایط مداخله‌گر کشف شده در جدول ۴ آمده است.

جدول ۴: شرایط مداخله‌گر

Table 4: Intervening Conditions

مقوله اصلی یا محوری	مقولات فرعی
<i>The Main or Central Category</i>	<i>Subcategories</i>
تغییر الگوی مصرف و تطبیق با شکوفایی فردی و جمعی	نیل به شکوفایی فرهنگی و استفاده از الگوی مصرف مطلوب
	توسعه اجتماعی و اهمیت الگوی مصرف
	تغییر الگوی مصرف و تسریع در دستیابی به توسعه اجتماعی
تغییر الگوی مصرف منابع، نهادینه‌سازی مصرف مطلوب و کاهش بحران‌های زیست‌محیطی	اهمیت مصرف مطلوب در جامعه و نهادینه‌سازی
	مصرف مطلوب در جامعه و کاهش بحران‌های زیست محیطی
	مصرف نامطلوب منابع به مثابه یکی از موانع اصلی عدم توسعه‌یافتگی
بسترسازی آموزشی مطلوب در جامعه	اهمیت تدارک دوره‌های آموزشی مناسب با شرایط جامعه
	توجه به محتوای آموزشی و اهمیت آن در فرایند توسعه اجتماعی
	به‌روزرسانی اطلاعات و نقش آن در توسعه اجتماعی

تغییر الگوی مصرف و تطبیق با شکوفایی فردی و جمعی

از نظر یکی از مشارکت‌کنندگان تغییر الگوی مصرف از اهمیت بسیار زیادی برخوردار می‌باشد و به‌عنوان یکی از شرایط مداخله‌گر در نیل به توسعه اجتماعی پایدار به حساب می‌آید و این وضعیت می‌تواند موجب شکوفایی فرهنگی و اجتماعی شود. این مشارکت‌کننده دیدگاه خود را به این صورت شرح می‌دهد:

«به‌نظر من خیلی خیلی الگوی مصرف مهم است. این فرهنگ مصرف خیلی مهم است که چگونه نهادینه شود و منابع در چه جهتی مصرف کنیم و نحوه مصرف منابع هم خیلی مهم است. مثل استفاده از کتاب‌خانه، مثلاً این منابعی که در دسترس داریم به لحاظ فرهنگی و شکوفایی فردی و جمعی استفاده کنم» (مشارکت‌کننده ۱۵).

تغییر الگوی مصرف منابع، نهادینه‌سازی مصرف مطلوب و کاهش بحران‌های زیست‌محیطی

واکاوی دیدگاه مشارکت‌کنندگان نشان می‌دهد که مصرف مطلوب منابع به‌مثابه یکی از شرایط مداخله‌گر در دستیابی به توسعه اجتماعی پایدار قلمداد می‌شود. مشارکت‌کنندگان اعتقاد دارند که در صورت مطلوب نبودن مصرف منابع در جامعه، دستیابی به توسعه با چالش‌های زیادی مواجه می‌شود و به این صورت می‌توان گفت که یکی از موانع اصلی عدم

توسعه‌یافتگی، مصرف نامطلوب منابع می‌باشد. یکی از مشارکت‌کنندگان دیدگاه خود را به این صورت شرح می‌دهد:

«توسعه را به زمین می‌زند. مثلاً در کشورای ایران منابع نفت و گاز و ... دارد و چون اقتصادش بر این مینا است و اگر بخواهد همه را مصرف کند و چون جایگزینی و سرمایه ندارد تمام اقتصادش مختل می‌شود» (مشارکت‌کننده ۳).

یکی دیگر از مشارکت‌کنندگان به شواهد مختلفی در رابطه با عدم مصرف مطلوب منابع و توسعه‌نیافتگی اشاره می‌کند و دیدگاه خود را به صورت بیان می‌کند:

«در ایران الگوی مصرف تغییر چندانی نکرده است. مثال الگوی بی‌رویه مصرف در ایران مثل خاک، نفت، آب، مثلاً در صنایع فولاد بی‌رویه مصرف می‌شود و هیچ راندمان درستی ندارد و سرمایه بر نمی‌گردد فقط مصرف می‌شود» (مشارکت‌کننده ۱۱).

از نظر برخی از مشارکت‌کنندگان مدیریت مصرف و نهادینه‌سازی الگوی مصرف مطلوب می‌تواند موجب کاهش بحران‌های زیست‌محیطی شود. یکی از مشارکت‌کنندگان اعتقاد دارد که اگر در یک جامعه الگوی مصرف مدیریت شود و به سمت الگوی مصرف مطلوب تغییر پیدا کند، بحران‌های زیست‌محیطی به مراتب کاهش پیدا می‌کنند. این مشارکت‌کننده در این زمینه دیدگاه خود را به این صورت بیان می‌کند:

«نقش مهمی دارد قطعاً شما در جامعه کنونی داری زندگی می‌کنی که هر روز منابع محدودتر می‌شود با بحران زیست‌محیطی هر روز مواجه می‌شویم قطعاً الگوی مصرف را مرتب مدیریت باید کنیم و شما نمی‌توانی با الگوی مصرف صد سال پیش زندگی کنی» (مشارکت‌کننده ۲).

بسترسازی آموزشی مطلوب در جامعه

برای نیل به توسعه اجتماعی پایدار نیاز هست که دوره‌های آموزشی مناسب با شرایط جامعه برای تحول تدارک دیه شود، یعنی نیاز هست که بسترسازی مطلوبی از نظر آموزشی در جامعه صورت گیرد. مشارکت‌کنندگان به این موضوع به عنوان یکی از شرایط مداخله‌گر در دستیابی جامعه به توسعه اجتماعی پایدار نگاه ویژه‌ای داشته‌اند. یکی از مشارکت‌کنندگان دیدگاه خود را به این صورت بیان می‌کند:

«قطعاً برگزاری دوره‌های آموزشی نقش مؤثری دارد ولی میزان تأثیرگذاری بستگی به محتوای آموزشی اون دوره داره بستگی به شرایطی داره که فرد درش قرار گرفته ولی به صورت کلی تا ما به یک تمکن مالی نرسیم به یک امنیت اقتصادی نرسیم سخت هست در

زمینه‌های توسعه اجتماعی بخوایم کار کنیم یا در بعدهای اجتماعی انسان‌ها بیشتر تلاش کنیم شاید به‌عنوان شهروندهایی بهتری داشته باشیم در جامعه که به اون سمت‌ها حرکت کنیم شاید اولین گام می‌تونه ایجاد اشتغال باشه، اگر ایجاد اشتغال ایجاد بشود بعد ما می‌تونیم کم‌کم دنبال این باشیم که دوره‌های آموزشی برگزار کنیم برای افزایش دانش افراد و توسعه اجتماعی» (مشارکت‌کننده ۶).

مشارکت‌کننده دیگری به به‌روزرسانی اطلاعات و نقش آن در توسعه اجتماعی اشاره می‌کند و معتقد است که برگزاری دوره‌های آموزشی موجب به‌روزرسانی اطلاعات در جامعه می‌شود و این وضعیت موجب توسعه اجتماعی و توسعه اجتماعی پایدار در جامعه می‌شود. این مشارکت‌کننده دیدگاه خود را بدین نحو بیان می‌دارد:

«وقتی به‌روز کردن اطلاعات ایجاد می‌شود توسعه اجتماعی هم سریع‌تر رخ می‌دهد و برگزاری دوره‌های آموزشی برای همین به‌روز کردن اطلاعات هستش که برای همین به‌روز کردن دانش‌های جدید هست که شاید قبلاً ما نمی‌دانستیم و طی برگزاری دوره‌های آموزشی به ما یاد داده می‌شد که چگونه از شون استفاده کنیم یا اینکه روند توسعه اجتماعی را سریع‌تر کنیم» (مشارکت‌کننده ۸).

استراتژی‌ها

توجه به ارزش‌ها محلی، تقویت اجتماع‌های محلی / مداخله آگاهانه و استفاده از ابزارهای مطلوب سیاست‌گذاری

از نظر مشارکت‌کنندگان آنچه در فرآیند توسعه اجتماعی از اهمیت اساسی برخوردار است و آن را از سایر ابعاد توسعه متمایز می‌کند، توجه به ارزش‌های محلی و فرهنگ محلی است. در توسعه اجتماعی پایدار توجه به ارزش‌های فرهنگی از اهمیت بسیار زیادی برخوردار می‌باشد و توسعه اجتماعی پایدار به‌مثابه بخشی از ارزش‌های فرهنگ محلی به‌شمار می‌آید. پذیرش توسعه در جامعه از اهمیت بسیار زیادی برخوردار می‌باشد و یکی از استراتژی‌هایی که منجر به پذیرش برنامه‌های توسعه و به‌ویژه توسعه اجتماعی می‌شود، توجه به ارزش‌های فرهنگ محلی می‌باشد. در صورت توجه به ارزش‌های فرهنگ محلی، پذیرش و همراهی با برنامه‌های توسعه در جامعه امکان‌پذیر می‌باشد و جامعه محلی در سطح بالاتری با این برنامه‌های توسعه همراهی می‌کنند. یکی از مشارکت‌کنندگان در این زمینه اعتقاد دارد که دستیابی به توسعه اجتماعی زمانی امکان‌پذیر می‌باشد که با ارزش‌ها و هنجارهای موجود در جامعه در تضاد نباشد. این مشارکت‌کننده دیدگاه خود را به این صورت بیان می‌کند:

«در مورد ارزش‌های مثبت فرهنگ محلی هم ما زمانی می‌توانیم به توسعه برسیم که در واقع با حفظ ارزش‌ها و هنجارهای کشور خودمون می‌توانیم. در واقع اگر بخوایم با ارزش‌ها و هنجارها در تضاد باشیم با ارزش‌های محلی و بومی خودمون اون اصلاً نمی‌تونه جایگاهی داشته باشه و افراد اصلاً نمی‌تونن قبول کنند این خیلی مهم هستش که وقتی ما می‌خوایم یک چیزی را در جامعه جا بندازیم و به وجود بیاریم با ارزش‌ها و هنجارهای محلی و بومی خودمون همخوانی داشته باشه؛ یک مثال بیاریم در جامعه ما که یک جامعه جمع‌گرا هست ما نمی‌توانیم بگوییم این کار کنیم و یک جامعه فردگرا نیستیم و حالا یک ارزش بومی و هنجار بومی که داریم در عید دید و بازدید هست ما اگر بخوایم در جامعه خودمان بررسی کنیم این رو و مسیر توسعه را عملیاتی کنیم اگر بخواهیم این‌ها را بر اساس هنجارها و ارزش‌های غرب انجام بدیم حالا که فردگرایی وجود داره امکان‌پذیر نیست اگر بخواهیم ارزش و هنجارهای خودمون را نادیده بگیریم به‌نظر من نمی‌توانیم یعنی باید توسعه در راستای ارزش‌ها و هنجارهای خودمون صورت بگیرد و بومی بشه در واقع زمینه‌سازی خیلی مهم هست» (مشارکت‌کننده ۱).

مشارکت‌کنندگان اعتقاد دارند که در دستیابی به توسعه اجتماعی پایدار نیاز هست که رویکرد انتقادی نسبت به ارزش‌های محلی در جامعه شکل گیرد، یعنی اینکه برخی از ارزش‌ها و هنجارهایی که مانع توسعه اجتماعی می‌شوند، باید دگرگون شوند. یکی از مشارکت‌کنندگان ادراک خود را بدین نحو بیان می‌دارد:

«فرهنگ محلی فکر می‌کنم باید بستری برایش به‌وجود آید که اول اینکه بحثی با نگاه انتقادی داشته باشیم یعنی همیشه باید برقرار باشد؛ یعنی افراد بتونن با نگاه انتقادی به فرهنگ محلی و جامعه نگاه کنن ولی در کنار آن فرهنگ نباید فرهنگ غالب را ابزاری برای سرکوب خورده فرهنگ محلی بشود. وقتی این اتفاق بیافته شما بخش زیادی از جامعه را داری محروم می‌کنی وقتی استعدادهای جامعه خودت را محروم کنی قطعاً دستیابی به توسعه ممکن نیست» (مشارکت‌کننده ۲).

برخی از مشارکت‌کنندگان اعتقاد دارند که آنچه بسیار نیاز هست، استفاده مطلوب و آگاهانه از سیاست‌گذاری می‌باشد، سیاست‌گذاری در جامعه باید به‌نحوی باشد که هم با ارزش‌های جامعه محلی منطبق و سازگار باشد و هم برنامه‌هایی اتخاذ شود که نیل به توسعه اجتماعی را تسریع کند. بنابراین، در این زمینه باید استراتژی مداخله آگاهانه و سیاست‌گذاری مناسب به‌کار گرفته شود. یکی از مشارکت‌کنندگان دیدگاه خود را به این صورت شرح می‌دهد:

«در توسعه اجتماعی پایدار باید هم‌زمان هم به ارزش‌های محلی توجه شود و هم سیاست‌ها و برنامه‌های جدیدی گرفته شود که مسیر توسعه را در جامعه هموار کند. پس نیاز هست که مدیران و برنامه‌ریزان آگاهی خوبی از وضعیت جامعه داشته باشند تا برنامه‌ها و سیاست‌هایی اتخاذ کنند تا توسعه اجتماعی پایدار در جامعه اتفاق بیفتد» (مشارکت‌کننده ۱۵).

پیامدها

۱- ارتقای سطح و کیفیت زندگی و توجه به حقوق و ارزش‌های انسانی

مشارکت‌کنندگان اعتقاد دارند که در صورت نیل به توسعه اجتماعی پایدار، کیفیت زندگی اعضای آن جامعه ارتقا پیدا می‌کند و وضعیت زندگی آن‌ها کاملاً متحول می‌شود. از نظر مشارکت‌کنندگان اصلی‌ترین پیامدهای دستیابی به توسعه اجتماعی پایدار، ارتقای کیفیت زندگی و توجه به حقوق و ارزش‌های انسانی در جامعه می‌باشد. یکی از مشارکت‌کنندگان نظر خود را چنین بیان می‌کند:

«هدف توسعه اجتماعی پایدار این هست که کیفیت زندگی این مردم بخواد بره بالا و اگر بخوایم یه تعریف ساده از توسعه اجتماعی بخوایم بگیم به نظر من توسعه اجتماعی به شرایط زندگی مردم برمی‌گرده اینکه مردم در واقع چگونه زندگی می‌کنند، سطح آموزششون چطوریه، کیفیت زندگیشون، سطح سوادشون، رابطشون با حکومت چجوری هست» (مشارکت‌کننده ۱۳).

مشارکت‌کننده دیگری اعتقاد دارد که توسعه به مثابه فرآیندی تعریف می‌شود که کیفیت زندگی مردم را متحول می‌سازد و در صورت عدم توجه به این موضوع، توسعه با موانع متعددی روبرو می‌شود. این مشارکت‌کننده ادراک خود را به این شکل بیان می‌کند:

«توسعه فرآیندی هست که کیفیت زندگی کل مردم شامل می‌شه نه اینکه یک استان اوکی باشه. همون جور که داریم می‌بینیم این توزیع ناعادلانه و عدم عدالت در جامعه به نظر من یکی از مهم‌ترین موانع توسعه در جامعه هست» (مشارکت‌کننده ۵).

این مشارکت‌کننده در ادامه دیدگاه خود را در این زمینه به این صورت شرح می‌دهد:

«به نظر من توسعه یعنی رهایی از فقر بالا بردن کیفیت زندگی مردم وقتی که ما ببینیم مردم کیفیت زندگیشون بالا رفته و خوب دارن زندگی می‌کنند کشور ما یعنی کشور توسعه‌یافته‌ای هست» (مشارکت‌کننده ۵).

۲- استفاده از قدرت دولت در تخصیص منابع، بسیج اجتماعی، مشارکت در فرآیند توسعه

مشارکت‌کنندگان اعتقاد دارند که دولت نقش پررنگ و برجسته‌ای در دستیابی به توسعه اجتماعی دارد و در صورت نیل به توسعه اجتماعی پایدار، وظیفه دولت پررنگ‌تر می‌شوند. یکی از مشارکت‌کنندگان چنین بیان می‌کند:

«دولت و قدرت دولتی در توسعه اجتماعی وظایف متعددی دارند، یعنی اگر دولت در وظایف خود کوتاهی کند غیر ممکن هست که توسعه اجتماعی در جامعه ایجاد شود. در جوامع توسعه‌یافته از نظر اجتماعی، دولت‌ها نقش پررنگی در جامعه دارند» (مشارکت‌کننده ۱۴).

مشارکت‌کنندگان اعتقاد دارند که در صورت نیل به توسعه اجتماعی پایدار، افراد و گروه‌ها در جامعه نسبت به سرنوشت خود، به‌ویژه سرنوشت سیاسی خود آگاهی بیشتری کسب می‌کنند و فعالیت و مشارکت آن‌ها در حوزه‌های مختلف سیاسی افزایش پیدا می‌کند و میزان بی‌تفاوتی آن‌ها نسبت به سرنوشت جامعه کاهش پیدا می‌کند. یکی از مشارکت‌کنندگان اظهار می‌کند:

«از لحاظ سیاسی می‌توانیم توسعه را در این معنا بفهمیم که افراد نسبت به سرنوشت سیاسی خودشان آگاهی دارند و فعالیت می‌کنند و مشارکت سیاسی می‌کنند نسبت به سیاست‌مداران نسبت به برنامه‌های سیاسی شناخت دارند حالا ممکن هست درون احزاب و تشکل‌های سیاسی هم قرار بگیرند و نهایتاً به‌لحاظ سیاسی می‌توانند بی‌تفاوت به سرنوشت سیاسی خودشان نباشند و مشارکت فعال داشته باشند و سیاست را به‌گونه‌ای باهوش روبه‌رو بشوند که دولت مردان و سیاست‌مداران و کارگزاران سیاسی پاسخ‌گوی نیازهای مختلف مردم باشند» (مشارکت‌کننده ۱۳).

مشارکت‌کننده دیگری بیان می‌کند که یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های توسعه اجتماعی مشارکت در امور است. بنابراین، می‌توان گفت که یکی از پیامدهای توسعه اجتماعی پایدار افزایش میزان مشارکت مردم در امور مختلف می‌باشد.

«بنابراین یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های توسعه اجتماعی از نظر من مشارکت هست مشارکت در امور جامعه هست یعنی حالا در سطوح محلی در سطوح منطقه‌ای یا در سطوح ملی یا در هر عرصه‌ای که انسان مشغول به کار و فعالیت هست تخصص شغلی و کاری در هر عرصه‌ای که هست بی‌تفاوت نسبت به امور همدیگر نباشیم و در امور مشارکت فعال داشته باشیم» (مشارکت‌کننده ۱۱).

۳- برقراری نظم اجتماعی

مشارکت‌کنندگان اذعان دارند که پیوند ناگسستنی بین توسعه اجتماعی و نظم اجتماعی در جامعه وجود دارد. یکی از مشارکت‌کنندگان به این پیوند اشاره می‌کند و اعتقاد دارد که در صورت توسعه‌نیافتگی اجتماعی در زندگی افراد آن جامعه نیز نوعی بی‌نظمی مشهود می‌باشد. این مشارکت‌کننده دیدگاه خود را چنین بیان می‌کند:

«یک مقدار از رشد و توسعه اجتماعی کاسته می‌شود و یک بی‌نظمی در زندگی اجتماعی افراد به وجود می‌آید و آن رشد و توسعه اجتماعی به وجود نمی‌آید چون ما گفتیم توسعه اجتماعی یعنی وجود یک نوع همبستگی و وفاق در بین مردم جامعه» (مشارکت‌کننده ۹).

مشارکت‌کننده دیگری نیز در این رابطه اعتقاد دارد که یکی از مؤلفه‌های توسعه اجتماعی، نظم و امنیت و آزادی می‌باشد. به نظر این مشارکت‌کننده:

«اصلاً شاخص‌های دیگه‌ای که در توسعه اجتماعی می‌تونیم در نظر بگیریم اقتصاد و امنیت، آزادی می‌تونه باشه که همه اینها در کنار هم شاخص توسعه اجتماعی را می‌تواند شکل بدهد» (مشارکت‌کننده ۱۲).

۴- استفاده و بهره‌مندی از توانمندی‌ها و پتانسیل‌های محلی برای توسعه

برخی از مؤلفه‌ها و ابعاد توسعه اجتماعی در ارزش‌های جامعه محلی وجود دارد. یکی از مشارکت‌کنندگان در این زمینه دیدگاه خود را به این صورت بیان می‌کند:

«خب خیلی مهم هست بحث هویت هست فرد توسعه یافته‌ای باشد که جاهایی پیشینه داشته باشد توسعه به منزله ایثار هست فرد در حوزه‌های فردی و اجتماعی ایثار بکند و فردی می‌تواند ایثار بکند که یک چیزهای داشته باشد که بهش افتخار بکند و یک وجودی برای خودش قائل باشد. خودش را در یک محرومیت نسبی نبیند و به رقابت بپردازد. فرهنگ محلی خیلی می‌تواند مؤثر باشد» (مشارکت‌کننده ۴).

۵- دگرگونی ساختارها در راستای افزایش رفاه مردم

مشارکت‌کنندگان اعتقاد دارند که یکی دیگر از پیامدهای دستیابی به توسعه اجتماعی پایدار، تحولات زیاد رفاه مردم در جامعه می‌باشد، یعنی اینکه وضعیت رفاه در جامعه با تغییرات محسوس‌تری روبه‌رو می‌شود و وضعیت رفاه پایدار در جامعه برای اعضای آن جامعه

محقق می‌شود. یکی از مشارکت‌کنندگان در این مورد دیدگاه خود را به این صورت شرح می‌دهد:

«به نظر من توسعه خود بسندگی و خود گشودگی است. از نیازهای سطوح پایین‌تر رفتن به نیازهای سطوح بالاتر. در صورت نیل به توسعه اجتماعی در کشورمان وضعیت رفاه و وضعیت اقتصادی پایداری برای اعضای جامعه محقق می‌شود» (مشارکت‌کننده ۴).

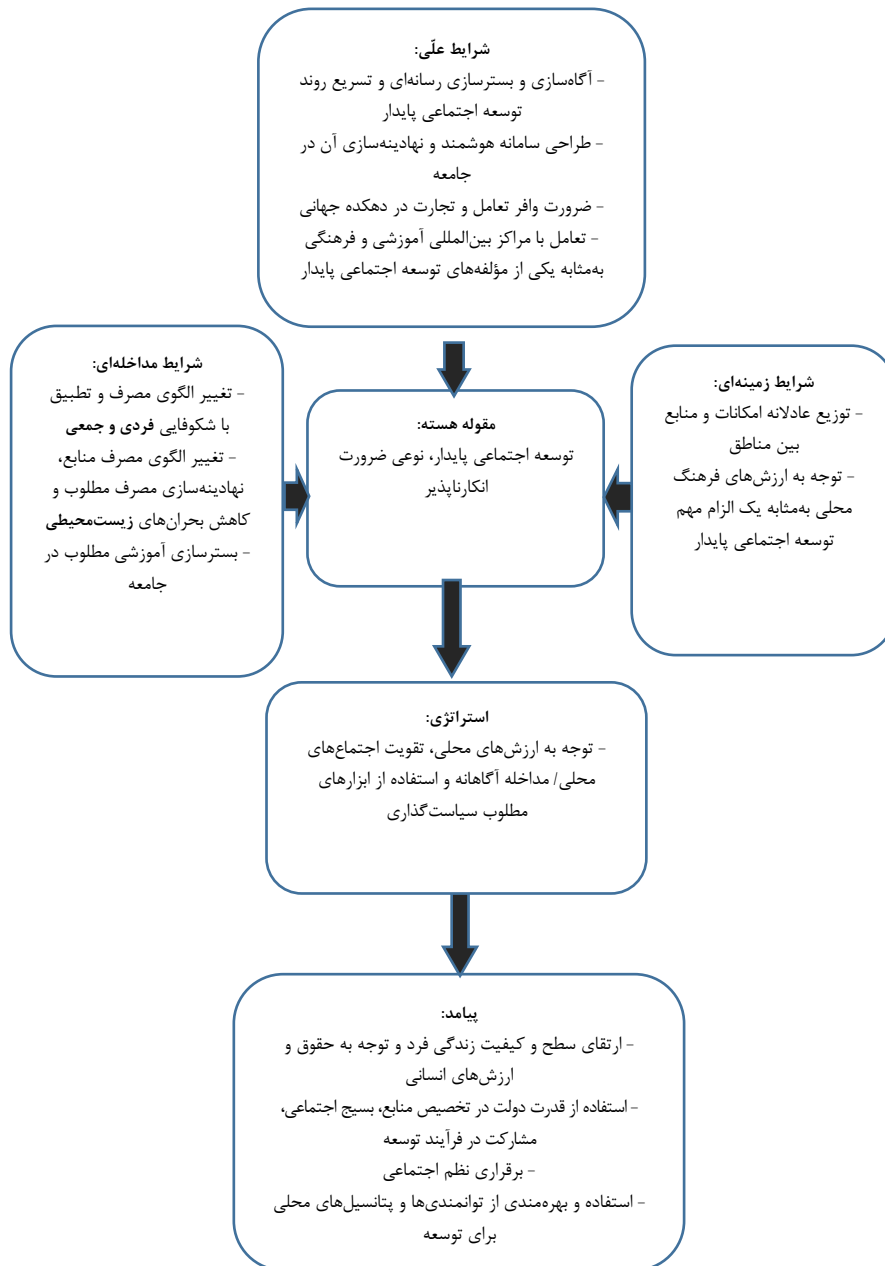
مشارکت‌کننده دیگری نیز به نقش تغییرات رفاهی وضعیت مردم در توسعه اجتماعی اشاره می‌کند و اعتقاد دارد که توسعه اجتماعی منجر به تغییر وضعیت رفاهی زندگی اعضای جامعه می‌شود و رفاه و امکانات برابر و عادلانه‌ای بین اعضای جامعه در وضعیت توسعه اجتماعی حاصل می‌شود. این مشارکت‌کننده به این صورت دیدگاه خود را بیان می‌کند:

«یکی از مؤلفه‌های اصلی توسعه اجتماعی از دیدگاه من ایجاد عدالت و برابری بین افراد هست که برای اینکه وضعیت جامعه بهبود پیدا کند، افراد امیدوار باشند به زندگی فاصله بین افراد رعایت بشه یعنی افراد یک جورایی اعتماد به نفس داشته باشند و امیدوار به زندگی باشند و با نابرابری روبه‌رو نباید باشند. رفاه و امکانات برابر برای افراد جامعه مهیا بکند. به لحاظ اقتصادی گفتیم یکی از موانع توسعه اجتماعی فقر اقتصادی هست که باعث جرم و جنایت و خیلی از مشکلات بدی در جامعه می‌شود؛ که قطعاً با کاهش فقر و بهبود وضعیت اقتصادی مردم و کاهش فاصله طبقاتی بین افراد و ارتباط بین افراد و امید به زندگی آن‌ها و حس همکاری و در نهایت باعث افزایش سرمایه اجتماعی بین افراد می‌شود و می‌تواند منجر بشود به توسعه اجتماعی» (مشارکت‌کننده ۹).

مقوله هسته و مدل پارادایمی

مقوله هسته از درون پژوهش بیرون می‌آید، اما به صورت یک مفهوم انتزاعی. مقوله هسته پژوهش عبارت هست از توسعه اجتماعی پایدار، نوعی ضرورت انکارناپذیر. تأمل و واکاوی عمیق مصاحبه‌های پژوهش بیانگر آن است که مشارکت‌کنندگان اهمیت زیادی برای شاخص توسعه اجتماعی پایدار قائل هستند و آن را ضرورت مبرم جامعه به‌شمار می‌آورند. این مشارکت‌کنندگان اعتقاد دارند که اهمیت آن برای احادی قابل انکار نیست و ضرورت آن مشهود و محسوس می‌باشد. مشارکت‌کنندگان اعتقاد دارند که در این فرآیند گذار و نیل به توسعه اجتماعی پایدار جامعه با تحولات و تغییرات زیادی مواجه می‌شود و تبعات و پیامدهای بی‌شماری برای جامعه و اعضای جامعه به همراه دارد. آن‌ها بیان می‌کنند که برای نیل به توسعه اجتماعی پایدار باید شرایط و بسترها در جامعه مهیا باشد و در صورت ظهور و بروز این

شرایط، دست‌یابی به توسعه اجتماعی با موانع کمتری مواجه می‌شود. بر این اساس و با توجه به دیدگاه مشارکت‌کنندگان نیل به توسعه اجتماعی با نیروها و شرایط متعددی پیوند دارد. از سوی دیگر، از نظر مشارکت‌کنندگان در مسیر و فرآیند دست‌یابی به توسعه اجتماعی پایدار باید استراتژی‌های مختلفی را به کار برد. توسعه اجتماعی پایدار در جامعه و در وضعیت زندگی اعضای جامعه تغییرات زیادی را به وجود می‌آورد که در قسمت پیامدها به برخی از این تبعات مثبت دست‌یابی به توسعه اجتماعی پایدار پرداخته شده است. با توجه به نتایج و یافته‌های فوق، مدل پارادایمی ذیل استخراج گردید.



شکل ۱: مدل پارادایمی پژوهش

Figure 1: Research Paradigm Model

بحث و نتیجه‌گیری

نسبت به شاخص‌های توسعه و شاخص‌های توسعه اجتماعی پایدار، اتفاق نظر واحدی وجود ندارد و صاحب‌نظران مختلف، شاخص‌های و مؤلفه‌های متعددی برای توسعه اجتماعی پایدار معرفی کرده‌اند. بر همین اساس در این پژوهش سعی شده است به شاخص‌های بستر محور و منطبق با شرایط جامعه کشورمان و به خصوص بر اساس دیدگاه و نظام معنایی دبیران علوم اجتماعی پرداخته شود. پژوهش حاضر در همین راستا و با هدف واکاوی نظام معنایی دبیران علوم اجتماعی شهر شیراز از این شاخص انجام شده است. واکاوی عمیق نتایج پژوهش منجر به کشف مفاهیم زیاد در مرحله کدگذاری باز یعنی حدود ۵۰۰ مفهوم گردید. کدگذاری مصاحبه‌ها ادامه پیدا کرد که در مرحله کدگذاری محوری به ۶۰ مقوله فرعی منجر شدند. یکی از اصلی‌ترین مراحل کدگذاری در روش نظریه زمینه‌ای، کدگذاری انتخابی یا گزینشی می‌باشد. نتایج این کدگذاری منجر به کشف ۱۵ مقوله اصلی و یک مقوله هسته شد. مقوله‌های اصلی کشف شده به شرایط علی، زمینه‌ای، مداخله‌گر، استراتژی‌ها، پیامدها و مقوله هسته تقسیم شدند.

بر اساس نتایج پژوهش می‌توان گفت که نیروها و شرایطی چون آگاه‌سازی و بسترسازی رسانه‌ای، طراحی سامانه هوشمند و نهادینه‌سازی آن در جامعه، ضرورت وافر تعامل و تجارت جهانی در دهکده جهانی و تعامل با مراکز بین‌المللی آموزشی و فرهنگی از جمله شرایط علی در فرآیند نیل به توسعه اجتماعی پایدار می‌باشند؛ یعنی اینکه این نیروها می‌تواند فرایند دستیابی به توسعه اجتماعی پایدار را تسریع ببخشند یا مانع دستیابی به توسعه اجتماعی پایدار شوند. یکی از این نیروها، در ارتباط با نقش رسانه‌ها و به خصوص نقش آگاهی‌رسانی و اطلاع‌رسانی رسانه‌ها می‌باشد؛ مشارکت‌کنندگان اعتقاد دارند که وظیفه این رسانه‌ها در آگاه‌سازی و اطلاع‌رسانی مطلوب بسیار مهم می‌باشد و نقش بی‌بدیلی در دستیابی به توسعه اجتماعی پایدار دارند. بنابراین، یکی از شرایط علی در فرآیند دستیابی به توسعه اجتماعی پایدار، توجه به نقش آگاه‌سازی و بسترسازی رسانه‌ای می‌باشد. نتایج پژوهش گلشنی و همکاران (۱۳۹۱)، نشان می‌دهد که رابطه مستقیمی بین الگوهای رسانه‌ها با الگوی توسعه اجتماعی هر نظام اجتماعی وجود دارد. همچنین نتایج پژوهش دانش مهر و همکاران (۱۳۹۷)، نیز نشان می‌دهد که بین رسانه‌های ارتباط جمعی با توسعه اجتماعی رابطه معنی‌داری وجود دارد. همچنین از جمله شرایط علی دیگر می‌توان به طراحی سامانه هوشمند و نهادینه‌سازی آن در جامعه اشاره کرد. حضور فعال در دهکده جهانی و تعامل مطلوب با

مراکز بین‌المللی نیز از جمله شرایط علی دیگری می‌باشد که فرآیند توسعه اجتماعی پایدار را تسریع می‌بخشند.

واکاوی عمیق یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که در فرآیند نیل به توسعه اجتماعی پایدار، شرایط مداخله‌گر زیادی نیز نقش دارند که مشارکت‌کنندگان به شرایطی همچون تغییر الگوی مصرف و تطبیق با شکوفایی فردی و جمعی، تغییر الگوی مصرف منابع، نهادینه شدن مطلوبیت مصرف منابع و کاهش بحران‌های زیست‌محیطی و بسترسازی آموزشی مطلوب در جامعه به‌عنوان شرایط مداخله‌گر اشاره می‌کنند و از سوی دیگر باید بستر و زمینه دست‌یابی به توسعه اجتماعی پایدار در جامعه فراهم باشد، مشارکت‌کنندگان به توزیع عادلانه امکانات و منابع بین مناطق و توجه به ارزش‌های فرهنگ محلی به‌مثابه یک الزام مهم توسعه اجتماعی پایدار به‌عنوان بستر و شرایط زمینه‌ای اشاره کرده‌اند. مشارکت‌کنندگان اعتقاد دارند در توسعه اجتماعی پایدار ارزش‌های محلی از ارزش و اهمیت بالایی برخوردار می‌باشند. نتایج این پژوهش هم‌راستا با نتایج پژوهش سجادی و واحدی یگانه (۱۳۹۶) می‌باشد. نتایج این پژوهش نشان داد که در صورت توجه به ارزش‌های جامعه محلی، فرآیند توسعه اجتماعی پایدار تسریع پیدا می‌کند و موجب می‌شود که جامعه محلی مشارکت فراگیرتری در توسعه اجتماعی پایدار داشته باشند. همچنین توزیع عادلانه منابع و نهادینه‌سازی مصرف مطلوب در جامعه از جمله شرایط زمینه‌ای دیگر می‌باشد که نیاز هست وضعیت آن در جامعه مطلوب باشد و از این نظر آن جامعه با چالش‌های کمتری مواجه باشد و در این شرایط امکان دست‌یابی به توسعه اجتماعی پایدار وجود دارد.

مشارکت‌کنندگان در ارتباط با توسعه اجتماعی و پیامدهای آن نیز به موضوعات و پیامدهای زیادی اشاره کرده‌اند و در این زمینه نیز اتفاق نظر واحدی بین مشارکت‌کنندگان وجود ندارد. نیل به توسعه اجتماعی پایدار در جامعه منجر به تغییرات و تحولات زیادی می‌شود که مشارکت‌کنندگان اعتقاد دارند که برخی از این پیامدها همانند ارتقای سطح و کیفیت زندگی فرد و توجه به حقوق و ارزش‌های انسانی، استفاده از قدرت دولت در تخصیص منابع، بسیج اجتماعی، مشارکت در فرآیند توسعه، برقراری نظم اجتماعی، استفاده و بهره‌مندی از توانمندی‌ها و پتانسیل‌های محلی برای توسعه، دگرگونی ساختارها در راستای افزایش رفاه و اسایش زندگی مادی مردم می‌باشند. در سایر پژوهش نیز به برخی از این پیامدها اشاره شده است. کتسچایو (۲۰۱۷)، نیز به این نتیجه رسید که توسعه اجتماعی پایدار در ارتباط با پرداختن به ایده جامعه پایدار اجتماعی می‌باشد. نتایج پژوهش زارع و همکاران (۱۳۹۹)، نیز نشان داد که بین مشارکت اجتماع‌های محلی و توسعه پایدار اجتماعی رابطه

معنی‌داری وجود دارد. نتایج پژوهش اریکسون و همکاران (۲۰۲۱)، نیز نشان داد که توسعه اجتماعی پایدار باید برای ادغام گروه‌های جمعیتی متنوع در محله‌ها تلاش کند و فرصت‌ها را برای تعامل‌های بین قومی افزایش دهد. همچنین نتایج پژوهش پراتاپ و کامراجو (۲۰۱۹)، نیز در همین راستا می‌باشد. نتیجه این پژوهش بیان‌گر آن است که توسعه اجتماعی با همکاری با دولت‌ها، جامعه مدنی و بخش خصوصی امکان‌پذیر می‌باشد.

بر این اساس و در جمع‌بندی از نتایج پژوهش می‌توان گفت که در نظام معنایی مشارکت‌کنندگان نیز نوعی تکثر و چندگانگی در ارتباط با مؤلفه‌ها و شاخص‌های توسعه اجتماعی پایدار وجود دارد و به شاخص‌های متعددی اشاره کرده‌اند که اهمیت یکسانی از نظر مشارکت‌کنندگان نداشته‌اند؛ اما آنچه که قابل ذکر هست؛ مشارکت‌کنندگان اعتقاد دارند که توسعه اجتماعی پایدار، ضرورتی انکارناپذیر می‌باشد و نیاز هست که رویکردها و استراتژی‌های اتخاذ شود که نیل به توسعه اجتماعی پایدار امکان‌پذیر شود و یا اینکه فرایند دستیابی به توسعه اجتماعی پایدار تسریع یابد. بر همین اساس مشارکت‌کنندگان اعتقاد دارند که نیل به توسعه اجتماعی پایدار جامعه با تحولات و تغییرات زیادی مواجه می‌شود و تبعات و پیامدهای بی‌شماری برای جامعه و اعضای جامعه به همراه دارد و می‌تواند منجر به ارتقای سطح و کیفیت زندگی فرد، برقراری نظم اجتماعی و دگرگونی ساختارهای جامعه شود.

References:

Abbaszadeh, M.; Miarganj, Kh.; Amin Mozafari, F.; Alipour, J. (2022). "Comparative study of the political culture of selected countries of the world based on the level of social development in 2020", *Iranian Political Sociology Monthly*, 5 (11):4175-4158. (Persian).

Alsakarneh, A. A. A., & Hong, S. C. (2015). "Talent management in twenty-first century: theory and practically", *International Journal of Applied Research*, 1(11), 1036-1043.

Azad Aramaki, T.; Mubaraki, M.; Shahbazi, Z. (2012). "Investigating and identifying the practical indicators of social development", *Quarterly Journal of Socio-Cultural Development Studies*, 1(1): 7-30. (Persian).

Azekia, M. (2014). *Sociology of Rural Development and Underdevelopment in Iran*, Tehran: Information Publications. (Persian).

Daneshmehr, H.; Kadirzadeh, O.; Sharifi, F. (2018). "Investigating the relationship of mass communication media on social development (case study: youth of Islamabad city)", *Economic Sociology and Development*, 7 (1): 57-96. (Persian).

Dolatkhah Ajirlu, Q.; Mirsardo, T.; Adhami, A. R. (2022). Explaining the obstacles of underdevelopment with an emphasis on socio-cultural development with the GT approach (case study: Beile Sawar city), *Sociological researches*, online publication. (Persian).

Eriksson, M., Santosa, A., Zetterberg, L., Kawachi, I., & Ng, N. (2021). "Social Capital and Sustainable Social Development-how Are Changes in Neighbourhood Social Capital Associated with Neighbourhood Sociodemographic and Socioeconomic characteristics?", *Sustainability*, 13 (23), 13161.

Fazli, M.; Fatahi, S.; Zanjan Rafiei, S. N. (2013). "Social development, indicators and Iran's position in the world", *Socio-Cultural Development Studies*, 2 (1): 59-182.

Golshani, A.; Jadidi, A.; Eskandari, S. (2012). "The role of media in political and social development with an emphasis on Iran's meaningful society", *Islamic World Political Research Quarterly*, 2 (1): 5-28. (Persian).

Hadi, N. U., Mumtaz, S., & Raza, M. A. (2021). "Practicing Social Innovation in the Social Entrepreneurial Initiatives: Triggering Transition towards Sustainable Social Development: Sustainable Social Development via Social Innovation", *City University Research Journal*, 11 (4), 571-590.

Jacobs, G.; Cleveland, H. (2008). *Dimensions of social development theory, a group of translators*, Tehran: Research Center for Cultural and Social Studies. (Persian).

Ketschau, T. J. (2017). "Social sustainable development or sustainable social development-two sides of the same coin? the structure of social justice as a normative basis for the social dimension of sustainability", *International Journal of Design & Nature and Ecodynamics*, 12 (3), 338-347.

Luna-Nemecio, J., Tobon, S., & Juarez-Hernandez, L. G. (2020). Sustainability-based on socioformation and complex thought or sustainable social development. *Resources, Environment and Sustainability*, 2, 100007.

Midgley, J. O. (2014). *Social development: theory & practice*. SAGE. publication pub.

Mijali, J. (2019). *Social development; Theory and Action*, translated by Seyed Ahmad Firouzabadi and Hamida Dabaghi, Tehran: Scientific and Cultural Publications. (Persian).

Perkiö, M. (2009). *Perspectives to global social development*. Tampere University Press.

Prathap, T. S., & Kamraju, M. (2019). "An overview of social development in Telangana State", *Asian Journal of Multidimensional Research (AJMR)*, 8 (4), 9-21.

Sajjadi, Z.; Vahedi Yeganeh, F. (2017). The role of local communities' participation in sustainable social development of cities (case study: Sartpoule neighborhood-Sanandaj city), *Regional Planning*, 7 (28): 151-166. (Persian).

Terziev, V. (2018). Importance of human resources to social development. Available at SSRN 3310508.

Vaezzadeh, S.; Ayaseh, A. (2020). "The status of social development in Iran's development programs with emphasis on the social indicators of sustainable urban development", *Urban Sociological Studies (Urban Studies)*, 10(36), 1-22. (Persian).

Vogelgesang, J. (2016). Is the Influence on Government Size on Social Welfare Different among Lesser Developed, Developing and More Developed Nations? An Economic Panel Analysis", at: www.antolindavies.com/theses/vogelgesang.docx.

Watani, Y.; Nasiri, M.; Saeedi, P. (2021). "Presenting a sustainable social development model based on skill learning and entrepreneurship", *Skills Training*, 11(41): 7-30. (Persian).

Welzel, C. (2013). *Freedom rising: Human empowerment and the quest for emancipation*. Cambridge, UK: Cambridge University Press.

Yousefi, M.; Mirzaei, Kh. (2021). "Non-governmental organizations and social-cultural empowerment of Tehran youth in sustainable social development", *Cultural Sociology*, 12(4): 143-178. (Persian).

Sustainable Social Development in the Meaning System of Social Sciences Teachers in Shiraz City: Towards A Grounded Theory

Adel Moradi¹ , Mahrokh Rajabi (Ph.D)² 
Bizhan Khajeh Nouri (Ph.D)³ , Esfandiar Ghafarinasab (Ph.D)⁴ 

DOI: 10.22055/QJSD.2024.44402.2853

Abstract:

The purpose of this research is to analyze the semantic system of social science teachers in Shiraz city about sustainable social development. Grounded theory has been used. The data was obtained by interviewing, who were 15 social science teachers in Shiraz. The results showed that forces and conditions such as media awareness and foundation, intelligent system design and its institutionalization in the society, the abundant necessity of interaction and global trade in the global village and interaction with international educational and cultural centers are among the causal conditions in the process of achieving sustainable social development. The participants have pointed to conditions such as changing the pattern of consumption and adapting to individual and collective prosperity, changing the pattern of resource consumption, institutionalizing the optimal consumption of resources and reducing environmental crises and creating a favorable educational platform in the society as intervening conditions. According to the participants, contextual conditions, conditions such as the fair distribution of facilities and resources between regions, paying attention to the values of local culture, are an important requirement of sustainable social development. The participants have pointed out consequences such as improving the level and quality of life of the individual and paying attention to human rights and values, using the government's power in allocating resources, social mobilization, participation in the development process, establishing social order, using and benefiting from local capabilities and potentials for development, changes in structures in order to increase people's well-being as the main consequences of sustainable social development.

Key Concepts: *Sustainable Social Development, Social Science Teachers, Shiraz, Semantic System, Contextual Theory*

¹ PhD Student in Sociology, Shiraz University, Shiraz, Iran, adelmoradi307@gmail.com

² Assistant Professor of Sociology Department, Shiraz University, Shiraz, Iran (Corresponding Author), mrajabi@rose.shirazu.ac.ir

³ Associate Professor, Department of Sociology, Shiraz University, Shiraz, Iran, bkhaje@rose.shirazu.ac.ir

⁴ Assistant Professor, Department of Sociology, Shiraz University, Shiraz, Iran ghafari.na@gmail.com

